



### گفتی با ایشان طولانی داشتید. موضوع صحبتتان چه بود؟

در آن سفر من راجع به حوزه و برنامه‌های پیش رو مطالبی را گفتم که خیلی استقبال کردند. ایشان ابداً قدرت طلب و دنبال مناصب نبودند و فوق العاده احساسی و وظیفه می‌کردند. من از ایشان سؤال کردم که آیا تمایل دارید برای ریاست خیرگان کاندیدا بشوید؟ ایشان در دوره پنجم خیرگان نایب رئیس اول بودند و طبیعتاً نزدیک‌ترین جایگاه به ریاست، از آن ایشان بود. با توجه به محبوبیتی که بین علما و اқشار مختلف داشتند، اگر برای ریاست خیرگان اعلام آمادگی می‌کردند و امروز در قید حیات بودند، قطعاً رئیس خیرگان می‌شدند. با صراحت فرمودند: من هرگز برای ریاست خیرگان کاندیدا نخواهم شد. پرسیدم: چرا؟ گفتند: بزرگان هستند. من دارم اینجا خدمت می‌کنم، لازم نیست آنجا هم ورود کنم. پرسیدم: این را از طرف شما به دوستان اعلام کنم؟ گفتند: حتماً بروید بگویید. من اصلاً بنای بر کاندیدا شدن ندارم.

برای ریاست جمهوری هم همین بود. خیلی به ایشان اصرار شد. دو نکته باعث شد ایشان ریاست جمهوری را بپذیرند. اول درخواست عامه مردم اعم از مومنین، پابرهنگان، مستضعفان، مردم می‌دانستند ایشان در آستان قدس به مردم خدمات زیادی کرده است و از همان زمان لقب سید محرومان را گرفته بود. دوم احساس وظیفه. اوایی که کار را پذیرفتند، به ایشان گفته می‌شد کار پر خطری را پذیرفته‌اید. شرایط، شرایط خاصی است و مشکلات کشور روی هم انباشته شده‌اند و با این همه بدهی و گرفتاری چه خواهید کرد؟ ایشان گفت: من یک آبرودارم و می‌خواهم آن را در راه انقلاب هزینه کنم. ممکن است بدنام بشوم و مورد انتقادات تند و تیز دشمنان قرار بگیرم، اما اگر بتوانم کاری برای انقلاب انجام بدهم، باید به وسط میدان بیایم و این کار انجام بدهم.

### • حضرتعالی سوابق دوری با شهید آیت الله رئیسی داشتید. از دغدغه‌مندی‌های ایشان برای رفع مشکلات مردم در حوزه‌های مختلف بفرمایید.

ابتدا به این نکته اشاره کنم که جمعیتی که برای تشییع آمده بودند، شگفت‌انگیز بود و جای سؤال

اگر بگویم که ایشان در شبانه روز ۲۰، ۲۱ ساعت کار می‌کرد شاید اغراق نکرده باشم. در سفری که به قم داشتند تا ساعت ۱، ۱/۵ بامداد در جمع علما بودند. بعد برای استراحت رفتند. دیدار بعدی ساعت ۶ صبح بود. من تصور کردم ایشان این فاصله را استراحت می‌کند. از دوستان تیم حفاظت سؤال کردم حاج آقا استراحت کردند؟ گفتند: نه. ساعت ۳ بلند شد و برای تهجد به حرم حضرت معصومه (س) رفت. ایشان نماز شبش را به هیچ قیمتی از دست نمی‌داد. دو ساعتی حرم بود و برگشت و مختصر استراحتی کرد و دوباره کار را ادامه داد

به مسئول محترم ارتباطات مردمی تاکید می‌کرد که مردم این نامه‌ها را با هزار امید می‌دهند. نکنند که این نامه‌ها بی‌جواب بمانند. گزارش و آمار می‌گرفتند که نامه‌ها به کجا رسید؟ پیگیری شد؟ پیگیری نشد؟ گاهی در مسیری که می‌خواستند بروند و از پروژه‌ای بازدید داشته باشند، پیرزنی کنار جاده دست بلند می‌کرد. بلافاصله ماشین را نگه می‌داشتند. یا جمعی در گوشه‌ای تجمع کرده بودند و پرچمی به دست داشتند. به راننده می‌گفتند برگردید. نباید به اینها توهین شود. مردم بزرگ و عزیز هستند. ممکن است انسان در خصوص عشق و ارادت‌ورزی به مردم یکی

داشت. چه اتفاقی می‌افتد که ناگهان عده‌ای این گونه دل‌داده کسی می‌شوند؟ خدا جواب این سؤال را در قرآن داده است: «إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَأَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: کسانی که اهل ایمان و عمل صالح هستند که بزرگ‌ترین عمل صالح خدمت به مردم است، خدا محبت این‌ها را مثل آب در دل‌ها منتشر می‌کند و مردم عاشق او می‌شوند.» از ویژگی‌های مهم آقای رئیسی، خلوص در نیت و صداقت در گفتار و کردار بود. ایشان ظاهر و باطنش یکی بود. اهل تشریفات و تجملات نبود و عاشقانه و صادقانه به مردم خدمت می‌کرد. بارها در سفرها